

## مقدمه

### مقدمه

بدانکه بر هر مکلف که جامع شرایط باشد، وجوب حج به دلیل قرآن و احادیث وارده از نبی اکرم ( صلی الله علیه وآله وسلم ) و ائمه معصومین ( علیهم السلام ): ثابت است. حج یکی از ارکان دین است و از ضروریات آن به شمار می رود. ترک حج، با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است. [۱] خداوند متعال در قرآن مجید فرمود: ( وَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ).

شیخ کلینی ( رحمه الله ) به طریق معتبر از حضرت صادق ( علیه السلام ) روایت نموده که: هر کس از دنیا برود و حجة الاسلام به جا نیاورد، بدون اینکه او را حاجتی ضروری باشد یا آنکه به جهت بیمار شدن از آن باز ماند یا آنکه پادشاهی از رفتن آن جلوگیری نماید، چنین کسی در حال مردن، به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت.

این آیه و این روایت، در اهمیت حج و وجوب آن کافی است و روایات بسیاری در این دو قسمت وارد شده که این مختصر، گنجایش ذکر آنها را ندارد و چون که مستحبات حج بیش از آن است که در این رساله بیان شود، لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا کرده و بقیه را به کتب مفصله و امی گذاریم که به جا آوردن آنها [۲] به امید ثواب اشکالی ندارد.

و نظر به اینکه این مناسک برای فارسی زبانان می باشد و تکلیف آنها عمره و حج تمتع است، اکتفا به بیان احکام آنها شد و قبل از شروع در مناسک، که مشتمل است بر دو باب و چند فصل و مسائلی چند، بعضی مسائل و شرایط وجوب حجة الاسلام و بعضی مسائل نیابت و وصیت به حج و چند مسأله دیگر بیان می شود:

[۱] م - حجة الاسلام که حج واجب بر شخص مستطیع است، بیش از یک مرتبه در تمام عمر واجب نیست.

[۲] م - وجوب حج، بر شخص مستطیع فوری [۳] است؛ یعنی واجب است در سال اول استطاعت به جا آورد و تأخیر آن جایز نیست [۴] و در صورت تأخیر، واجب است در سال بعد انجام دهد و همچنین....

[۳] م - اگر درک حج، بعد از حصول استطاعت [۵]، متوقف بر مقدماتی مثل سفر و تهیه اسباب آن باشد، تحصیل آن واجب است؛ به طوری که در همان سال به حج برسد [۶] و در صورتی که شخص کوتاهی [۷] کند و به حج در آن سال نرسد، حج بر او مستقر می شود [۸] که باید در هر صورت بعداً به حج برود، هر چند استطاعت از بین برود. [۹]

[۱] آیه الله اردبیلی: به شرط اینکه با علم به وجوب، آن را انکار کند و بداند که انکار آن به انکار الوهیت یا رسالت منجر می شود.

آیه الله بهجت: در صورت منافات با بقای تصدیق به وحدانیت خالق یا بقای تصدیق به نبوت و عدم استناد به شبهه خاصه به شخص ( ذخیره، ج ۱، ص ۴۴ و کتاب حدود ص ۳۹).

آیات عظام تبریزی، خویی و سیستانی: در صورتی که مستند به شبهه نباشد.

آیه الله خامنه ای: اگر انکار هر یک از ضروریات دین به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم ( صلی الله علیه وآله وسلم) یا وارد کردن نقصي به شریعت منجر شود، باعث کفر و ارتداد است ( اجوبة الاستفتائات، ص ۳۳۶).

آیه الله زنجانی: و انکار آن از کسی که در محیط اسلامی نشو و نما کرده نشانه کفر است و بر اساس احادیث معتبر به همین جهت خداوند متعال...

آیه الله سبحانی: منکران مرتد و تارک آن مستحق عقاب و عذاب الهی است.

آیه الله فاضل: چنانچه به انکار رسالت برگشت کند.

آیه الله مکارم: در صورتی که علم به ضروری بودن آن داشته باشد.

[۲]. آیه الله زنجانی: هر چند استحباب بسیاری از آنها ثابت نیست، ولی به جا آوردن آنها...

[۳]. آیه الله سبحانی: و تأخیر آن جایز نیست و اگر سال اول نرفت باید سال دوم و اگر نرفت سال بعد برود.

آیه الله سیستانی: در این فوریت دو وجه است: اول: اینکه شرعی باشد و گویا مشهور هم همین باشد. دوم: اینکه عقلي باشد، از باب احتیاط، تا مبدا تأخیر آن منجر به ترک واجب بدون عذر شود که در این صورت مستحق عقوبت خواهد بود. وجه اول احوط است و دوم اقوی. پس اگر آن را از سال اول استطاعت تأخیر انداخت، بدون اینکه اطمینان داشته باشد که بعداً می تواند آن را انجام دهد ولی بعداً موفق به انجام آن شود متجرّی می شود، و اگر اصلاً موفق نشود مرتکب گناه بزرگی شده است ( مناسک، ص ۸).

[۴]. آیه الله بهجت: و تأخیر آن بدون عذر حرام است و تکرار این تأخیر در سال های بعد، بدون توسیط توبه از گناهان کبیره، مثل ترک حج است ( مناسک، ص ۳).

آیات عظام تبریزی، خویی، گلپایگانی: بلکه بعید نیست تأخیر آن از گناهان کبیره باشد.

آیه الله خامنه ای: و به تأخیر انداختن آن بدون عذر جایز نیست و اگر به تأخیر اندازد معصیت کرده است و حج بر ذمه او باقی است ( مناسک حج، م ۲).

آیه الله صافی: و تأخیر آن بدون عذر گناه کبیره است.

آیه الله فاضل: تأخیر آن معصیت است ولی کبیره بودن آن، به طوری که مُسِقَط عدالت باشد، ثابت نیست.

[۵]. آیه الله زنجانی: حصول استطاعت مالی.

[۶]. آیه الله اردبیلی: اگر پس از حصول استطاعت رفتن به حج منوط به آن باشد که ثبتنام کند تا در سال های بعد به حج برود، ثبتنام واجب است.

آیه الله سبحانی، آیه الله مکارم: و در صورت حصول استطاعت، چنانچه راه منحصر به نامنویسی برای چند سال بعد باشد، آن نیز واجب است.

[۷]. آیه الله بهجت: در صورت اعتماد و وثوق به اینکه با تأخیر نیز حج را حتماً درک خواهد کرد، اظهار عدم وجوب خروج در اولین فرصت است. پس اگر اتفاقاً درک نکرد حج بر او مستقر نشده است و اما با عدم اعتماد مذکور، پس مورد تأمل است و عدم حرمت تفویض احتمالی، با تأخیر یا غیر آن از مقدمات مقوته در واقع بعد از اشتغال ذمه یا قبل از آن، در موردی که دلیل خاص نباشد خالی از وجه نیست. ( کتاب حج، ص ۱)

آیه الله زنجانی: و در اثر کوتاهی به حج در آن سال نرسد، ظاهراً حج بر او مستقر می شود و کسی که حج بر او مستقر شده است باید در اولین فرصت به حج برود هر چند استطاعت او از بین رفته باشد؛ بلی در صورتی که بدون اختیار انجام حج بر او حرجی شود تأخیر حج تا رفع حرج جایز است و اگر از رفع حرج مأیوس باشد، باید در اولین سال ممکن با قصد قربت برای حج نایب بگیرد، هر چند در هر دو صورت می تواند خودش با تحمل حرج، حج به جا آورد.

[۸]. آیه الله تبریزی، آیه الله خویی: مگر اینکه حرجی باشد که در این صورت بر خودش واجب نیست ولی بعد از مرگ وی باید از ترکه او حج به جا آورند.

آیه الله سبحانی، آیه الله سیستانی: اگر تأخیر، به علت اطمینان به درک حج در همین سال باشد و اتفاقاً نرسد، حج بر او مستقر نخواهد شد ( مناسک آیه الله سیستانی، مسأله ۳ ؛ کتاب الحج آیه الله سبحانی، ج ۱، ص ۳۶).

آیه الله صافی، آیه الله گلپایگانی: در صورتی حج مستقر می شود که معلوم شود اگر می رفت به حج می رسید ( مناسک عربی، ص ۱۲، مسأله ۶).

آیه الله فاضل: در صورتی حج بر او مستقر می شود که اگر می رفت به حج می رسید.

[۹]. آیه الله اردبیلی: اگر انجام حج برای او حرجی باشد، وجوب انجام حج بر خود او نیست ولی تکلیفی دارد که بعداً ذکر خواهد شد.

آیه الله فاضل: اگر انجام حج برای او حرجی باشد، حج از خودش ساقط است ولی باید خود او بعداً، در صورت قدرت، انجام دهد و یا بعد از فوتش از ترکه او حج نیابی ولو از میقات انجام دهند.